

محصول در خشت ها

ارزیابی سریع از کار وابسته تحت قیودات خاص در کارخانه های تولید خشت در افغانستان

گزارش مختصر- دسامبر ۲۰۱۱



محصول در خشت ها:

ارزیابی سریع از کار وابسته و تحت قیودات خاص در کارخانه های تولید خشت در افغانستان

گزارش مختصر – دسامبر ۲۰۱۱

در این تحقیق تلاش شده است تا تعریف درست و مناسب از کار وابسته (کار های تحت قیودات خاص) در کارخانه های تولید خشت در دو ولایت افغانستان (کابل و ننگرهار) ارائه گردد تا تصویر یا تشریحی از جنبه های تقاضا و عرضه یکی از مروج ترین اشکال کار های زیان آور که تاحال در افغانستان شناخته شده است، ارائه گردد. این تحقیق، کار وابسته را که در کارخانه های تولید خشت انجام میشود بادر نظر داشت زمینه های وسیع بشری و انکشافی مورد تحلیل قرار میدهد، تا شرکاء را در راستای توجه و رسیدگی به خطرات کار وابسته در روشنایی اولویت های پالیسی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کمک نماید. این تحقیق، مرسم نزولی و صعودی را پیشکش میکند که در نتیجه تحلیل معلومات جمع آوری شده از کارگران مصروف کار های تحت قیودات خاص، کارفرمایان و رهبران محلی جوامع در ولسوالی های ده سبز کابل و سرخورد ننگرهار و همچنان ملاقات هایی که با افراد دخیل (شرکاء) و متخصصین بین ماه های آگست و اکتوبر سال ۲۰۱۱ صورت گرفته، حاصل شده است.

ا: اساسات: شناسایی از کار وابسته در کارخانه های تولید خشت

با بررسی عرضه و تقاضای کار وابسته، این بخش عواملی را که چرا کارخانه های تولید خشت تقریباً بطور کامل بالای وابسته سازی براساس قرضه دهی Debt bondage اتکاء مینمایند و چرا افراد در دام چنین وابستگی ها گیر میافتند، مورد بررسی قرار میدهد و نیز نگرش مستقیم از اطفال وابسته در کار، همچنان بررسی از از تصامیم والدین و پیامد های آنها ارائه میگردد.

چرا کارخانه ها به وابسته سازی از اعطای قرضه استفاده مینمایند؟

شرایط صعب خشتمالی و مزد کم، کارخانه ها را در استخدام

و حفظ کارگران به مشکل مواجه میسازد. (جدول ۰،۱) کارگران اطفال و بزرگسال هر دو ۷۰ ساعت در هفته کار نموده و حرکات یا فعالیت های مکرر را انجام میدهند. اکثر مرحله قالب گیری به وضعیت خمیده (دولا) انجام شده و کارگران بطور مداوم به عواملی (مانند آفتاب، حرارت و گردوخاک) مواجه میباشند.

با استفاده از سیستم اعطای معاش پیشکی به کارگران وابسته و خانواده های شان، مالکین کارخانه ها را قادر ساخته است تا در مقابل کار منظم هزینه کمتر بپردازند.

در صنعت خشتمالی در سراسر جهان از شیوه هایی استفاده شده است تا کارگران و فامیل های شان را وابسته به کارخانه ها نموده و سطح معاش را پائین حفظ نماید. وسایل دیگر برای تأمین کار منظم مانند بهتر ساختن مزد و شرایط در حال حاضر امکان پذیر نبوده ازینرو سبب ایجاد وضعیت فعلی در صنعت خشتمالی گردیده است. سطوح بلند رقابت یا بازار آزاد و منفعت کم، فشار شدید را بالای هزینه فعالیت ها به ویژه معاش، وارد مینماید. بنا مالکین کارخانه ها نمی توانند معاشات را افزایش داده یا شرایط را بدون بلند بردن نرخ خشت، قیمت گذاری مؤثر و خارج از بازار توسط خودشان، بهتر سازند.

واژه های مهم

کار اجباری کاری است که به علت تهدید به مجازات اجرا شده و کارگر خود و یا خدمات اش را طور داوطلبانه عرضه نمی نماید.

وابستگی به علت دریافت قرضه (کار وابسته) عبارت از حالتی است که یک شخص پولدار، خدمت شخصی یا کسانی را در مقابل تضمین قرضه اش تحت کنترل خویش قرار میدهد. هم مزد کار جهت پرداخت قرضه بصورت عادلانه تعیین نمیشود و هم دوام و نوع خدمات بطور واضح محدود و مشخص نمیگردد.

کار اطفال: کاری است که توسط اطفال انجام شده و مانع تعلیمات شان گردیده و سبب ایجاد خطر و اضرار از نگاه عقلی، فیزیکی، اجتماعی یا روحی میگردد. کار اطفال تحت قیودات خاص در کارخانه های تولید خشت، یکی از بدترین اشکال کار است که به شکل وابستگی به علت دریافت قرضه و نیز بنا بر ماهیت زیان آور کار، توسط اطفال اجرا میشود.

جدول (۰,۱) مزد روزمره خشمالان

ولسوالی	کارگر	میزان قیمت فی هزار خشت	تعداد خشت فی روز	معاش روزمره
ده سبز	بزرگسال	۳۷۰ افغانی معادل ۷,۷۶ دالر امریکائی	۱۱۰۰	۴۰۷ افغانی/ ۸,۵۴ دالر امریکائی
	طفل		۷۵۰	۲۷۸ افغانی/ ۵,۸۲ دالر امریکائی
	فامیل		۲۳۲۰	۸۵۴ افغانی/ ۱۸,۰۱ دالر امریکائی
سرخرود	بزرگسال	۲۷۰ افغانی معادل ۵,۶۷ دالر امریکائی	۱۱۰۰	۲۹۷ افغانی/ ۶,۲۳ دالر امریکائی
	طفل		۶۳۰	۱۷۰ افغانی/ ۳,۵۷ دالر امریکائی
	فامیل		۲۲۴۰	۶۰۵ افغانی/ ۱۲,۶۹ دالر امریکائی

چرا کارخانه های تولید خشت از اطفال بحیث کارگر استفاده مینمایند.

از اطفال کارگر تنها بنا بر کم بودن معاش شان یا این که فکر میشود برای کار مذکور مناسبتر میباشد استفاده نمیشود، بلکه در حقیقت مالکین کارخانه های تولید خشت میدانند که اطفال نسبت به بزرگسالان دارای قدرت تولیدی کمتر میباشد و برای شان عین قیمت براساس فی واحد پرداخته میشود. اما هنوز هم برای مالکین کارخانه ها منفعت بار اند.

حد اکثر ساختن پرداخت به جنس: خانواده هایی که بحیث خشمالان کار مینمایند برای شان سرپناه، آب و برق فراهم میشود. این گونه مزد در صورتیکه دو یا ده عضو خانواده کار نمایند یکسان میباشد. کارگران خورده سال مالکین کارخانه ها را کمک مینمایند تا با استفاده از کار اعضای دیگر خانواده، پرداخت به جنس را به آخرین درجه ممکن افزایش دهند.

قابلیت تولیدی بلند خانواده ها: اطفال در امور کاری نیز کمک نموده، هرچند همیشه مشهود نیست اما میزان تولید بزرگسالان را بیشتر میسازند. اطفال در انتقال آب، پاکسازی محل کار و انداختن گل در قالب ها جهت قالب گیری به اقارب شان کمک مینمایند. آنها در فعالیت های امور منزل مانند پاک کاری، آشپزی، مراقبت از برادران و خواهران کوچک شان و آوردن آب سهم گرفته و وقت بیشتر را برای دیگر اعضای فامیل فراهم میسازند تا در تولید خشت وقف یا صرف نمایند.

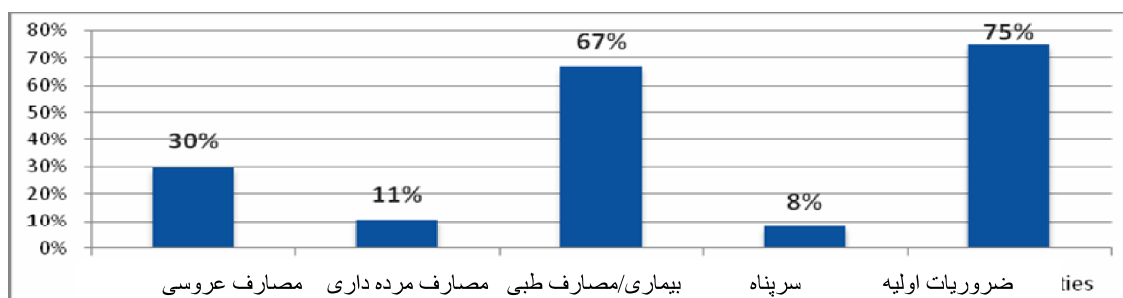
چرا افراد شرایط وابستگی براساس دریافت قرضه را انتخاب مینمایند؟

اکثر خانواده هایی که در کارخانه های تولید خشت در افغانستان کار مینمایند هنگامیکه منحصراً مهاجر در پاکستان زنده گی میکردند در مقابل وابستگی براساس دریافت قرضه آسیب پذیر بوده اند. تقریباً تمام (۹۸٪) خانواده هایی که سروی شده اند، به کشور پاکستان متواری شده و در آنجا به علت نداشتن مهارت کافی در کارخانه های تولید خشت به کار آغاز نمودند.

با داشتن مسؤولیت اعاشه و اباته فامیل بزرگ، مهارت کم و تقریباً عدم داشتن اعتبار مالی، خانواده ها به کارخانه های تولید خشت رو آورده زیرا یکی از چند محل محدود میباشد که میتوانند آن معاش پیشگی و نیز پرداخت های به جنس مانند سرپناه، و آب بدست بیاورند. خانواده ها حد اوسط دارای ۸,۸ عضو بوده و سرپرستان ۸۳٪ فامیل ها دارای هیچگونه تعلیماتی نبوده اند.

قرضه به خانواده ها: خانواده ها از کارخانه های تولید خشت برای رفع نیازمندی های اولیه مانند غذا، مصارف صحتی، در مقابل سرمایه گذاری بالای سرپناه یا فعالیت های کارآفرینی (شکل ۰,۱) پول قرضه میگیرند. در نتیجه قرضه مسئله محدود به یک زمان یا وقت نبوده بلکه یک سکل یا چرخه ساختاری بیشتر و دراز مدت بوده که خانواده ها را بطور مداوم در گرو یا تحت کنترل کارفرمایان قرار میدهد. در این سکل مرهونیت یا قرضداری، فامیل ها معمولاً قبل از اینکه پول پیشگی گذشته را تادیه نمایند قرضه های دیگر اخذ میدارند. خانواده هایی که سروی شده اند طور اوسط بین ۳ تا ۴ معاش پیشگی را طی پنج سال گذشته اخذ نموده اند. همچنان خانواده ها جهت بازدهی قرضه زمانیکه از یک کارخانه به کارخانه دیگر به منظور تلاش برای دریافت شرایط بهتر مراجعه مینمایند قرضه اخذ مینمایند.

شکل (۰،۱) عواملی که خانواده ها از مالکین کارخانه ها قرضه اخذ مینمایند^۱



هرچند پیشرفت بطنی است، بسیاری فامیل ها به مشکل میتوانند قرضه های شان را پرداخت نمایند. مقایسه ای که بین اوسط قرضه فامیل ها با قرضه باقیمانده موجود طی ۵ سال صورت گرفته نشان میدهد که فامیل ها بیشتر قرضه را که طی پنج سال گذشته دریافت نموده اند، پرداخته اند. (جدول ۰،۲) اما ضرورت دایمی برای دریافت معاش پیشکی بیشتر (اکثراً برای مقاصد طبی یا تداوی و نیازمندی های اساسی) اکثر فامیل ها را وابسته به کارفرمایان شان نموده است.

حرکت های محدود و آزادی محدود: برعلاوه قرضه، فرصت ها برای رهایی کارگران از وابستگی که در نتیجه دریافت قرضه ایجاد شده است، توسط محدودیت هایی که در قرارداد های شان درج است، ناچیز میباشد. کارفرمایان تمام اعضای فامیل ها را از تلاش برای دریافت کار، ابتدائی یا ثانوی، خارج از کارخانه جداً ممانعت مینمایند، و فعالیت یا رفتن به خارج محوطه کارخانه محدود به اوقات و مکان های مجاز بوده است. فعالیت های خارج کارخانه معمولاً شامل رفت و آمد به بازار جهت اخذ امتعه یا رفتن نزد داکتر یا کلینیک جهت رفع نیازمندی های صحتی میباشد.

جدول (۰،۲) تفکیک اوسط قرضه های فامیلی

ولسوالی	مقدار آخرین قرضه	مقدار بازپرداخت	قرضه باقیمانده	مجموع قرضه (حد اوسط ۵ سال)
ده سبز	افغانی ۵۵۰۰۰ دالر آمریکائی ۱۱۵۴	افغانی ۲۱۴۰۰ دالر آمریکائی ۴۴۹	افغانی ۳۳۶۰۰ دالر آمریکائی ۱۰۵۳	افغانی ۱۳۳۹۰۰ دالر آمریکائی ۲۸۱۰
سرخورد	افغانی ۶۴۸۰۰ دالر آمریکائی ۱۳۶۰	افغانی ۱۷۵۰۰ دالر آمریکائی ۳۶۷	افغانی ۴۷۳۰۰ دالر آمریکائی ۱۲۶۶	افغانی ۱۱۵۶۰۰ دالر آمریکائی ۲۴۲۶

جعبه (۰،۱) تفکیک افراد از نظر جنسیت در کارخانه های تولید خشت

ارقامی که براساس ترکیب جنسیت از کارخانه های تولید خشت در دیگر جاها دریافت شده است تفاوت عمده را نسبت به افغانستان نشان میدهد. نیروی کار در کارخانه های تولید خشت در نیپال و هندوستان عمدتاً متشکل از زنان و اطفال شامل هردو جنس میباشد.^۱ گرچه فامیل های افغان که در کارخانه های تولید خشت کار مینمایند از فقر شدید رنج میبرند، زنان و دختران بالغ تنها در صورت موجودیت اوضاع وخیم خارج از منزل کار مینمایند. حتی در کشور همسایه یعنی پاکستان میتوان زنانی را که در کارخانه های تولید خشت کار مینمایند به استثناء فامیل های مهاجر افغان یا مهاجرین غیر رسمی پیدا کرد.^۲ جدا ساختن زنان از نیروی کار در افغانستان شرایطی را برای اتکا روی کار اطفال مساعد میسازد زیرا تنها یکی از والدین میتوانند فعال اقتصادی باشند یا از نظر اقتصادی فعال باشند.

^۱ براساس پاسخ های ۱۸۶ فامیل

^۲ براساس مصاحبه با Eric Edmonds معاون پروفیسور در کالج Dartmouth، ۲۱ اکتوبر ۲۰۱۱.

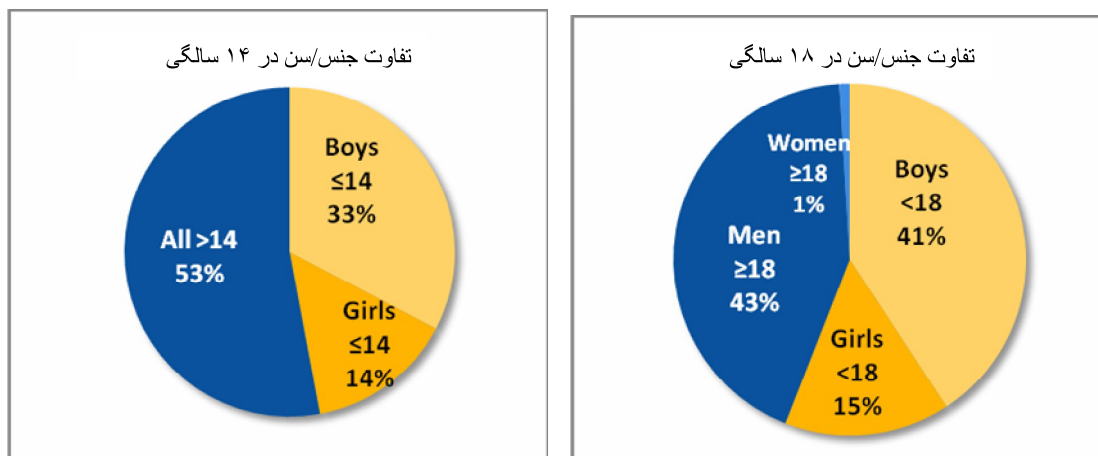
تمرکز روی اطفال: چرا والدین اطفال شان را به کار وامیدارند؟

۵۶٪ خشتمالان را در افغانستان اطفال تشکیل میدهد و اکثر این کارگران ۱۴ سال یا کمتر از آن عمر دارند. (شکل ۰،۲) دختران عمدتاً در گروه های سنی ۱۴ یا پائینتر قرار دارند زیرا ملحوظه های فرهنگی آنها را وامیدارد تا هنگام رسیدن به سن بلوغ در خانه زنده گی را بسر ببرند. (شکل ۰،۳) این مورد بدان معنی نیست که کارکردن آنها متوقف میشود. این حالت به گونه ساده از کار در بازار به کار در فامیل تغییر نموده که بدون مزد میباشد و معمولاً از احصائیه گیری ها در مورد کار اطفال باز میمانند.

براساس اصل تجمّل، خانواده ها اطفال شان را تنها به علت مجبوریت های ناشی از فقر به کار میفرستند. به عبارت دیگر طفلی که کار نمیکند (اوقات تعلیم و فراغت) یک امتعه تجملی میباشد.^۳ این موضوع در فابریکه های تولید خشت در ده سبز و سرخورد حقیقت پنداشته میشود. فامیل هایی که دچار قرضه های خاتمه ناپذیر هستند به این فکر اند که باید از تمام منابع کاری قابل دسترس استفاده نمایند حتی اگر بطور مداوم سبب ایجاد زیان به فامیل ها شود. این امر خارج از مسئله ضرورت و فقر شدید میباشد که فامیل ها اطفال شان را در سنین پائین برای کار در فابریکه های تولید خشت میفرستند.

وقت تعلیم و فراغت در فابریکه های تولید خشت خیلی کم میباشد. تنها ۱۵٪ اطفال فامیل هایی که سروی شده اند به مکتب میروند. آنها صرف قادر به حاضر شدن در مکتب میباشند. دسترسی به مکتب در ولایت ننگرهار هنگام فصل زمستان به علت موجودیت برنامه رهبری UNICEF که در مناطق فابریکه های تولید خشت، مکاتب تأسیس نموده اند، آسانتر میباشد. (جعبه ۰،۲) در حالیکه قابلیت دسترسی یک مسئله است، علت اصلی عدم حضور اطفال به مکتب، نیازمندی برای کمک به فامیل های شان میباشد.

شکل (۰،۲) تفکیک نیروی کاری برای تولید خشت براساس جنس و سن^۴



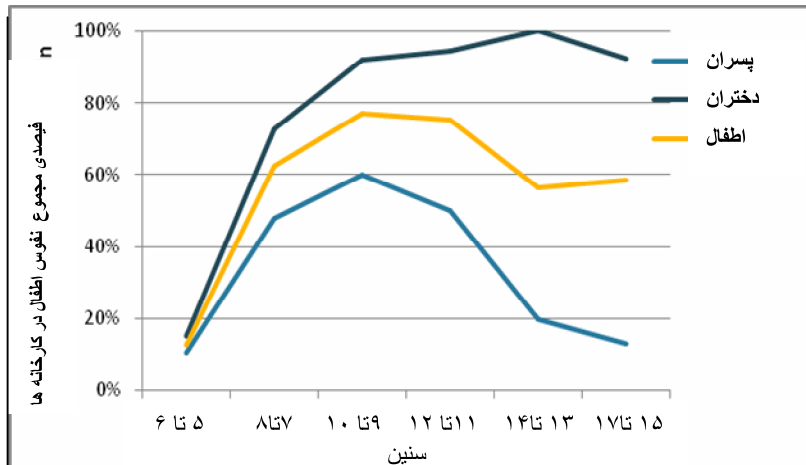
^۳ ILO (۲۰۰۴)، "کار غیر آزاد در پاکستان: کار، قرضه و وابستگی در کارخانه های تولید خشت"، سند کاری شماره ۲۴، تهیه شده توسط انستیتوت تعلیمات و تحقیقات کار پاکستان برای ILO.

^۴ Basu, Kaushik and ZafirisTzannatos (۲۰۰۳)، (مشکل جهانی کار اطفال: چی میدانیم و چه میتوانیم انجام دهیم؟)، بررسی اقتصادی بانک جهانی، جلد ۱۷، شماره ۲، صفحه ۱۷۳-۱۴۷.

^۵ محاسبه براساس ۱۹۰ سروی در کارخانه های تولید خشت که توسط جمع آوری معلومات از ۱۶۶۶ طفل که ۷۳۱ تن آنها در کارخانه های مذکور کار میکردند.

شکل (۰,۳) تناسب پسران و دخترانی که در کارخانه ها کار مینمایند^۶

به استثناء تعداد مجموعی اطفالی که در ساحه زنده گی مینمایند



در یک نگاه:
اکثریت اطفالی که در محیط کارخانه ها زنده گی مینمایند بین سنین ۷ و ۸ آغاز به کار مینمایند.
در سن ۱۳ سالگی تمام اطفال فامیل های وابسته کار مینمایند در حالیکه تعداد دخترانی که در کارخانه ها کار مینمایند به گونه چشمگیر کاهش میابد

جعبه (۰,۲) برنامه تعلیمی رهبری یونسف در کارخانه های تولید خشت در سرخورد

به علت بیسوادی و فقر شدید خانواده ها، اطفال معمولاً از جانب مکتب مورد تهدید قرار گرفته میتوانند. سیستم درجه بندی که توسط برنامه تعلیمی رهبری یونسف در جلال آباد پیشکش گردیده است سبب ایجاد سهولت به اطفال از طریق کاهش احتمال پامال شدن یا دلسردی که ممکن توسط اطفال احساس شود، میگردد. همچنان این مفکوره را به والدین ایجاد مینماید تا چند ساعت کار اطفال را در مقابل منفعت طولانی به اطفال و فامیل شان معاوضه یا قربانی نمایند.

صنوفی که در محلات کارخانه ها تأسیس میشوند دو ساعت در روز بوده و صنوف یکجا باهم میباشد تا شاگردان را آماده صنوف درسی سازد. بعداً اطفال شامل مکاتب جمعیت شده که در محلات مذکور ایجاد میگردد و در آن ۴ ساعت در روز و ۶ روز در هفته تدریس صورت میگردد. هدف یونسف این است تا اطفال سرانجام شامل مکاتب عمومی شوند. این سازمان موفق شد تا از آغاز پروگرام در سال ۲۰۱۰ به تعداد ۳۰۹ طفل شامل مکاتب عمومی شوند.

|| چرا باید مساعدت کننده گان یا داور ها در این زمینه علاقمند باشند؟ تصویر برجسته:

خطرات اقتصادی: رکود مورد انتظار در سکتور ساختمانی، رهایی کارگران را از کار وابسته دشوارتر مینماید.

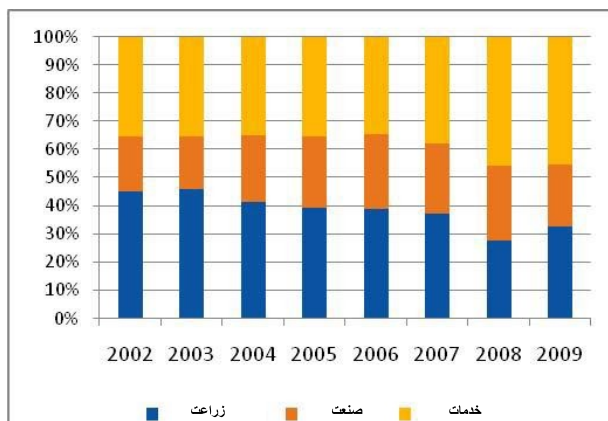
در حالیکه رشد تولیدات ناخالص داخلی یا GDP در حال حاضر قوی باقی مانده است، اقتصاد افغانستان به علت کاهش کمک ها الی مرحله انتقال در سال ۲۰۱۴ و بعد از آن دستخوش تغییرات عمده خواهد شد. سطح فعلی رشد اقتصادی (۸,۲٪ در سال مالی ۲۰۱۰)^۷ عمدتاً از طریق کمک ها و مخارج نظامی تأمین میگردد. در سال مالی ۲۰۱۰ مجموع کمک ها به افغانستان ۱۵,۴ میلیارد دالر و مجموع مخارج نظامی بیشتر از ۱۰۰ میلیارد دالر بوده است.^۸

^۶ محاسبه براساس ۱۹۰ سروی از کارخانه های تولید خشت که توسط جمع آوری معلومات از ۷۳۱ طفل که ۴۰۹ تن آنها در کارخانه های مذکور کار میکردند، صوت گرفته است.

^۷ ADB (۲۰۱۱) (روند و دورنمای اقتصادی در کشور های درحال رشد آسیا: شرق آسیا، فصلی از چشم انداز انکشاف آسیا ۲۰۱۱: روابط اقتصادی جنوب - جنوب، بانک انکشاف آسیایی، ص. ۱۴۶-۱۴۳.

^۸ بانک جهانی، ۲۰۱۱

شکل (۴, ۰) فیصدی سکتور تولیدات ناخالص داخلی در افغانستان



منبع: ADB (۲۰۱۱)، (شاخص های کلیدی برای آسیا و اقیانوسیه ۲۰۱۱)، بانک انکشافی آسیایی

در صورتیکه هزینه کمک ها کاهش یابد اقتصاد افغانستان احتمالاً تنزیل خواهد یافت خصوصاً در بخش هایی که عمدتاً توسط کمک ها و مخارج بازسازی به پیش برده میشوند (شکل ۵, ۰) به گونه برجسته در عرصه خدمات چون ساختمان، تنزیل خواهد یافت که اتکاء افغانستان را بالای زراعت بیشتر میسازد. برخی از اثرات منفی کسر هزینه های خارجی که در افغانستان به مصرف میرسد به این علت ناچیز خواهد بود که بسیاری کارگران ماهر که از شگوفائی یا پیشرفت در سکتور ساختمانی بهره حاصل مینمایند، غیر افغان میباشند. اما پیشرفت صنعت تولید خشت که متکی بر کارگران دارای مهارت کم و وابسته میباشد آهسته نخواهد شد.

بسیاری از مالکین کارخانه ها که تا آنزمان با مفاد کم فعالیت مینمودند مجبور به تعطیل یا بستن کارخانه یا کم ساختن مزد کارگران جهت تلاش در رقابت برای تعیین نرخ در شرایطی که مشتریان خشت کاهش میابد، میشوند.

در صورت کاهش تقاضای خشت، عدم تساوی رابطه کار وابسته به نفع مالکین کارخانه ها بیشتر رقم میخورد در حالیکه افزایش عرضه کار ادامه میابد. فامیل های وابسته با داشتن حد اوسط ۸,۸ عضو، که رشد سریعتر را نسبت به اوسط رشد ملی دارند منبع کاری قابل تجدید را برای صنعتکاران تولیدی خشت فراهم میسازند. حتی اگر کارگران وابسته بتوانند به قرارداد شان خاتمه بخشند، هنوز هم به علت وابستگی به کارفرمایان شان به نسبت سرپناه و داشتن مهارت کافی برای کارکردن در سکتور های دیگر به مشکل میتوانند کارخانه ها را ترک نمایند.

خطرهای اجتماعی: در حال حاضر نیاز به دخالت فعالین بشردوست و توسعه دهنده گان اقتصادی توسط رسیده گی به کمبود مهارت ها و سنگینی قرضه های کارگران، احساس میشود تا فامیل ها در برابر لحظات سختی که در پیشرو دارند آماده شوند.

بدون تعلیم، آموزش و مهارت های قابل انتقال به دیگران، کارگران وابسته اعم از اطفال و بزرگسالان نمیتوانند بطور لازم آماده انجام کار دیگری در پهلوی خشمالی باشند. بناً ایجاد تغییر در معیشت یا شیوه زنده گی آنها خیلی دشوار بوده و نیاز به اقداماتی دارد تا به عدم مهارت ها، محدودیت های مربوط به کار وابسته و قرضه های خانواده ها رسیده گی صورت گیرد.

مسئولین امور اقتصادی فرصت دارند تا در آماده ساختن فامیل ها در برابر مراحل دشواری که در پیشرو دارند با ایجاد راه حل های مناسبتر، کمک نمایند. هرچند در پهلوی برنامه های درازمدت به کمک های کوتاه مدت بشردوستانه نیاز است تا فامیل ها را برای آوردن تغییر جدید در معیشت یا شیوه های زنده گی کمک نماید. طور مثال فامیل های عودت کننده، فقیر و آسیب پذیر، که واجد شرایط برای اشتراک در برنامه های آموزش مسلکی مختلف یا برنامه کار در مقابل غذا میباشند. اما متأسفانه اکثر کارگران به علت محدودیت یا نیازمندی های فامیلی، اعمال محدودیت ها در مقابل تحرک یا جنبش بالای فامیل های وابسته و سکل قرضه هایی که طی چندین سال کار وابسته عاید میگردد، قادر به اشتراک در چنین برنامه های آموزشی نمی باشند. کارگران، تحت شرایط فعلی استخدام شان وقت کافی جهت اشتراک در برنامه های آموزش مسلکی ندارند زیرا مجبوراً برای فراهم ساختن ضروریات اولیه فامیل های شان باید به کار ادامه دهند. حتی اگر این امکان موجود باشد آنها جهت ترک ساحه نیاز به اخذ اجازه از مالکین کارخانه ها دارند.

فامیل ها نه تنها نیاز به کسب مهارت های مربوط به بازار دارند بلکه به مهارت های دایمی که بتواند آنها را در کاهش وابستگی به مالکین کارخانه ها کمک نماید نیز احتیاج دارند. مهارت هایی چون کشاورزی در منزل، دامداری و خیاطی میتوانند در رفع نیازمندی های اولیه فامیل ها در کارخانه های تولید خشت بدون اینکه قرضه های اضافه اخذ نمایند، کمک کند. فعالیت ها یا مصروفیت هایی نیز وجود دارند که میتوانند توسط خانم ها در منزل انجام شود. در حال حاضر دختران و زنان به علت محدودیت های تبعیض جنسی که فعلاً در کارخانه های تولید خشت موجود میباشد؛ منعیست منابع کار در فامیل ها محسوب نمی شوند. همچنان این گونه فعالیت ها میتوانند تحت شرایط فعلی یا مروج وابستگی به قرضه مجاز باشد زیرا فعالیت های غیر مرتبط به بازار بوده و در داخل خانه ها اجرا میشود.

خصوصیات مشترک اجتماعی و اقتصادی، کارگران وابسته را در سکل های قرضه، فقر و وابستگی محصور یا منحصر میسازد. با توجه به پویایی اجتماعی و اقتصادی موجود فعالین بشردوست و امور اقتصادی باید یکجا با هم با GIROA کار نمایند تا یک ستراتیژی خلاق و هماهنگ را برای شکستن این سکل ها و جلوگیری از ایجاد بحران انسانی در کارخانه های تولید خشت ایجاد نمایند.

چالش های سیاسی: کار وابسته در کارخانه های تولید خشت نمایانگر یکی از موارد ناکام در اسکان مجدد عودت کننده گان افغان میباشد.

کارگران وابسته به علت محدودیت های صریح در قرارداد های شان و ضمناً مشکلات ناشی از فقر، بسیاری از حقوق شان را منحصراً شهروند افغان از دست میدهند. قرارداد ها با کارخانه های تولید خشت تحرک کارگران را جلوگیری نموده و مانع فرصت های اشتغال در کار های دیگر تا زمان بازدهی قرضه ها از جانب فامیل ها، میشود. هرچند آنها توسط مالکین کارخانه ها ممانعت نمی شوند اما فامیل ها اکثراً به علت فشار فقر و قرضه نمی توانند اطفال شان را به مکتب بفرستند. در اکثر موارد صنعتکاران تولید خشت سبب ایجاد قیودات دایمی بالای کارگران وابسته شده و آنها را هنگام مهاجرت در پاکستان آسیب پذیر ساخته است. گرچه کار وابسته در پاکستان ممنوع میباشد اما به پیمانانه وسیع موجود میباشد. کارگران با قبول شرکت نمودن در چنین سیستم غیر قانونی، بسیاری حقوق شان را قربانی شغل و سرپناه مینمایند.

فامیل ها به گونه مستقیم از کارخانه های پاکستان به کارخانه های مقیم افغانستان استخدام میشوند. در نتیجه چنین استخدام فرامرزی، اسکان یا استقرار مجدد این عوت کننده گان یا مهاجرین در افغانستان به شکست مواجه میشود. آنها در ساحه کار شان زنده گی نموده و از دیگر افراد جامعه مجزا میباشند. گزینه های تحرک و اشتغال شان به علت شرایط وابستگی آنها محدود میباشد. اطفال آنها از تعلیماتی که توسط دولت فراهم میگردد مستفید نمیشوند و حتی دسترسی به خدمات صحتی دشوار میباشد. وابستگی به علت گرفتن قرضه، کارگران را در موقف شهروندان طبقه پائین مقید یا منحصر میسازد که بعداً از یک نسل به نسل دیگر انتقال میابد.

خصوصیات فقر در بین نسل ها و سیکل های آن: بدون اقدامات لازم، اطفال در کارخانه های تولید خشت مکلف به تکرار عین سکل که والدین شان پیموده اند، میباشند.

مشکلات ناشی از کار وابسته نه تنها بنا بر شرایطی عاید میگردد که روزانه بالای کارگران وابسته تحمیل میشود بلکه در سکل هایی که توسط چنین رابطه کار وابسته و خدمت اجباری بصورت دایمی ایجاد میشود نیز موجود میباشد.

سکل قرضه: با انتقال قرضه در بین نسل ها، اطفال گزینه دیگری ندارند مگر اینکه نقش قدم های والدین شان را تعقیب نمایند. در عین زمان مسایل عمده فقر و نیازمندی ها به وسایل معیشت فامیل ها را وامیدارد تا پیهم (یکی پی دیگر) قرضه اخذ نمایند. اکثراً قرضه یی را که باخطر مصارف غذای زمستان اخذ مینمایند تمام فصل را دربرمیگیرد تا دوباره آنرا بپردازند.

سکل آسیب پذیری: فامیل ها در کارخانه های تولید خشت به علت رفع نیازمندی های اولیه هنگام پناهنده گی در پاکستان در قرضه گیر مانده اند. دایمی شدن آسیب پذیری این فامیل ها منحصراً مهاجرین در نتیجه سوء استفاده کارخانه های تولید خشت از این لحاظ عاید گردیده که فامیل ها در صورت عودت به افغانستان چانس کم برای اسکان مجدد دارند، که عبارت از پروسه از بین رفتن تفاوت ها از لحاظ حقوق قانونی و وظایف در میان عودت کننده گان و دیگر هموطنان شان و دسترسی برابر عودت کننده گان به خدمات، سرمایه های سودبخش و فرصت ها میباشد.

سکل وابستگی: کارگران وابسته برای داشتن سرپناه و نیز وسایل معیشت نیازمند حمایت کارفرمایان شان میباشند. به علت مهاجر بودن دسترسی شان به زمین و سرپناه محدود بوده و عدم مصوونیت در داشتن زمین اجاره یی، فامیل ها را نه تنها به علت شرایط قرارداد ها بلکه بنا بر این واقعیت که آنها نمیتوانند از طریق منابع دیگر صاحب سرپناه شوند، وابسته به کارفرمایان شان میسازد. بناً آنها در پائین ترین سطح به کارفرمایان شان وابسته اند یعنی: فراهم کردن سرپناه برای فامیل های شان، که یکی از عوامل عمده در ایجاد وابستگی بوده و نیز یک شکلی از تحمیل اجباری میباشد.

سیکل فقر: هزینه تعلیمات، در پهلوی از دست رفتن عاید حاصله از کار اطفال برای اکثر فامیل ها خیلی بلند و دشوار میباشد. در نتیجه اطفال وابسته به کار مهارت های لازم را برای شکستادن سیکل فقر کسب نکرده و زمانی که بزرگ میشوند همان سکل را با اطفال شان تکرار مینمایند. عین مسئله در مورد بزرگسالان میباشد که دسترسی به هرگونه مهارت های انکشافی یا آموزش بر علاوه کاری که آنها بطور مداوم تکرار مینمایند، ندارند.

III: در آینده چی باید کرد؟ بروز ریشه های فقر به طور انتقالی

با تقابل این چالش ها، در حال حاضر از بین بردن کار وابسته در کارخانه های تولید خشت در افغانستان تحقق پذیر نیست به خصوص با ساختار انتقالی که در آن مسؤولیت های بیشتر به GIROA انتقال میابد. با گرفتن الهام از برنامه رهبری یونسف و لیسوالی سرخورد لازم است تا کمک کننده گان یا داوران بالای وسایل ایجاد تحقق و کم هزینه

برای تخفیف فشار یا بار قرضه و وابستگی و بهبود شرایط کار و زنده گی کارگران وابسته تمرکز نمایند. این اقدامات باید با فعالین دولتی در سطح ملی و ولایتی، هماهنگ شوند.

برای رسیده گی به کار وابسته در کارخانه های تولید خشت به یک چهارچوب ستراتیژیک نیاز است تا از وسایلی که مطابق شرایط افغانستان، ظرفیت دولت و خصوصیات روابط کار وابسته تهیه میشود، کار گرفته شود. رویهمرفته چهارچوب ستراتیژیک باید به عوض دستور دهی که بسیاری فعالیت ها را محدود ساخته یا مانع میشود، بالای استفاده از پالیسی های محرک یا تحریک کننده که افراد را به ایجاد تغییر در فعالیت های شان تشویق مینماید، تأکید بدارد. برنامه ها باید تشخیص نمایند که چرا اطفال کار نموده و سعی نماید تا به عوض اقدامات ساده برای جلوگیری اطفال از کار نمودن، حتی در صورتیکه اعاشه فامیل شان را بدوش داشته باشند، نیازمندی فامیل ها را به کار نمودن اطفال شان رفع نمایند.^۹

با در نظر داشت این عوامل، مسایل ذیل نیز باید در محدوده چهارچوب ستراتیژیک مورد توجه قرار داشته باشد: دسترسی به وسایل یا ابزار اعتبار مالی و قرضه های کوچک، جنبه بین نسلی کار وابسته، مسایل یا موضوعات حقوقی در اجاره داری زمین و مسئله فرامیزی و عودت مهاجرین.

جنبه اقتصاد کوچک

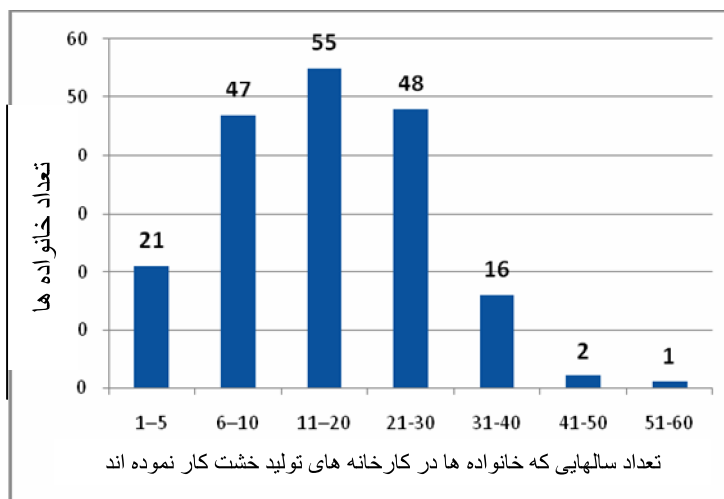
اعتبار مالی یا کریدت در مرکز روابط کار وابسته قرار دارد زیرا معاشات پیشگی و قرضه ها عواملی است که فامیل ها را در وضعیت وابستگی براساس دریافت قرضه قرار میدهد. بدون دسترسی به منابع بدیل اعتبار مالی، فامیل ها بالای وسایل داخلی (کار اطفال) اتکاء نموده و به شرایط نامطلوب کار وابسته (مزد کم، عدم تحرکیت و غیره) سازش مینمایند.

در حالیکه اینها میتوانند وسایل مفید برای جلوگیری از وابستگی براساس دریافت قرضه باشند، قرضه های کوچک برای ایجاد تولیدات محلی عمدتاً برای کارگران وابسته مناسب نمی باشد زیرا وابستگی آنها به بسیار آسانی به مؤسسات قرضه های کوچک انتقال میابد. با اینحال، وسایل مالی وجود دارد که اگر با تعلیمات موضوعات مالی و مشوره دهی یکجا فراهم شوند میتوانند فامیل ها را در شکستن سکل قرضه و وابستگی کمک نموده و این آسیب پذیری ها را کاملاً جلوگیری نماید. وسایل یا ابزاری چون گروه های صرفه جو مبتنی بر جوامع (CBSGs) بر علاوه اینکه وسایل پس انداز یا صرفه جویی و قرضه گیری را فراهم میسازد، شبکه مصوونیت اجتماعی را در داخل جامعه نیز ایجاد مینماید.

جنبه اجتماعی

بدون ارزیابی سکل فقر تمام فامیل، رسیده گی به کار وابسته توسط اطفال صورت گرفته نمیتواند. بر علاوه انتقال بین نسلی قرضه که در تمام کارخانه های تولید خشت مقیم کشور های جنوب آسیا معمول میباشد، کار وابسته توسط اطفال مانع بلند بردن نیروی بشری یا سرمایه انسانی شان از طریق تعلیمات میشود. "فردی که منحیث یک طفل، کار بیشتر را عرضه و تعلیمات کم کسب مینماید زمانیکه بزرگ میشود فقیر تر میگردد. با پیروی از مودل اساسی، اطفال این افراد نیز به کار فرستاده میشوند. بناً کار اطفال در میان نسل ها بصورت دایمی باقی میماند."^{۱۰}

شکل (۵، ۰) دیرینه بین نسلی در کارخانه های تولید خشت در افغانستان



براساس ارزیابی هایی که در این تحقیق صورت گرفته است این گونه سکل بین نسلی به طور آشکار در کارخانه های تولید خشت در افغانستان موجود میباشد؛ ۶۴٪ خانواده هایی که سروی شده اند سابقه فامیلی در کارخانه ها برای مدت بیشتر از ۱۱ سال دارند (شکل ۶، ۰). طوریکه مشهود است تعداد کثیری از افراد بین سنین ۱۸ تا ۲۲ سال هنوز هم در کارخانه های تولید خشت با والدین شان وابسته اند احتمال شکستن این سکل در این زودی ها بدون اقدامات لازم موجود نمی باشد. ستراتیژی ها جهت

^۹ Edmonds, Eric V (۲۰۰۳)، کار اطفال در آسیای جنوبی، OECD Social، سند کاری شماره ۵ در مورد اشتغال و مهاجرت.

^{۱۰} Basu و Tzannatos، ۲۰۰۳.

شکستادن سکل قرضه و فقر در آینده نزدیک باید روی کاهش وابستگی خانواده ها بالای کار اطفال تمرکز نماید تا اطفال بتوانند توانایی های لازم انسانی را حاصل نموده و بالاخره در دراز مدت وضعیت خانواده ها بهبود یابد. در صورتیکه خانواده ها قادر به شکستن این سکل نباشند این امر میتواند مانع رشد اقتصادی به پیمانۀ بزرگتر شود. افغانستان با داشتن نفوسی که اکثر افراد آن دارای مهارت پائین و بیسواد میباشند، فقر دورانی و انکشاف نیروی بشری چالش های ملی است که تا کارخانه های تولید خشت توسعه یافته است.

جعبه (۳، ۰)، کدام مورد اهمتر است: عرضه یا تقاضای تعلیمات

بر اساس مصاحبه ای که با Eric V. Edmonds معاون پروفیسور در دبیرانتمت اقتصاد کالج Dartmouth انستیتوت مطالعات کار (IZA) و مرکز ملی مطالعات اقتصادی صورت گرفته است

بسیاری از افراد بخصوص آنهاییکه در بخش تعلیم و تربیه کار مینمایند فکر میکنند که علت کمبود تعلیمات، مشکل در عرضه آن است. عملکرد ضعیف یا فقدان رسیده گی بر تمویل مکاتب اثرگذار بوده است. سابقه طولانی در مورد تمرکز روی اینکه چگونه مکاتب بیشتر و بهتر ساخته شود، وجود دارد. اما چیزی که فراموش شده است این است که مردم نیاز دارند تا ارزش این تعلیمات را دریابند. داشتن مکاتب و مکاتب خوب شرط مهم برای تعلیم است اما اگر بالای موضوعات مربوط به هزینه رفتن به مکتب توجه نکنیم این خطر وجود دارد تا بسیاری مکاتب خالی بماند یا مملو از اطفال بوده اما توانایی خوبی برای موفقیت در آن موجود نباشند.

جنبه حقوقی

جهت شکستن سکل وابستگی، کارگران وابسته برای داشتن دسترسی به زمین، نیاز به حمایت دارند تا بتوانند از آن منحیث منبع برای سرپناه و نیز امرار معاش استفاده نمایند. تحقیق ما نشان داده است که اکثر کارگران وابسته از نظر تاریخی و عرفی مربوط به فامیل هایی اند که قبلاً جهت امرار معاش مصروف زراعت بوده اند و عمده ترین منبع درآمد شان را تشکیل میداد. مهاجرت سبب تغییر چنین شیوه زنده گی شده و آنها را وارد صنعت تولید خشت ساخته است. بر علاوه آگاهی دهی از قوانین اجاره داری، به تعلیمات حقوقی بیشتر راجع به دیگر حقوق مانند حقوق کارگران، حقوق اطفال و غیره نیاز است.

جنبه سیاسی

مشکلات مربوط به کار وابسته به خارج از مرز های ملی افغانستان نفوذ نموده و یک چالشی در سطح منطقه میباشد زیرا اکثراً با شرایط آسیب پذیری و موارد سوء استفاده در پاکستان آغاز میشود که سبب ایجاد سکل قرضه و وابستگی شده و بعد از برگشت این فامیل ها از مهاجرت ادامه میابد. در نتیجه، بُعد منطوقی (پاکستان/افغانستان) کلیدی حل سیاسی در مرکز کارخانه های تولید خشت و شیوه کار وابسته میباشد.

با توجه به مشکلات در عملی نمودن مقررات یا کنترل مرزها میان پاکستان و افغانستان، ابتکار عمل های فرامرزی کنترل مالکین کارخانه ها و استخدام کننده گان را بالای کارگران وابسته محدود ساخته و مانع اکثر تعهدات منعقدۀ میان آنها میشود. نهاد های منطوقی یا محلی که از هردو سوی مرز قویاً نمایندگی مینمایند در رسیده گی به کار وابسته از محلی که آغاز میشود، توسط فراهم ساختن معلومات و رایزنی یا مشوره در پاکستان و پیگیری از شیوه های برگشت به افغانستان از طریق دفاتر مربوطه کشوری، نقش خوبی دارند.

بالاخره نظارت از عودت مهاجرین و مهاجرت های اقتصادی به کارخانه های تولید خشت ضروری میباشد تا واقعیت ها در زمینه های مذکور بصورت جدی و دقیق روشن شوند. همچنان نظارت و ارزیابی کمک مینماید تا از دستیابی شرکاء به معلومات و تبادل آن اطمینان حاصل شود. این مطالعه یا تحقیق اولین تلاش برای ایجاد درک بهتر از نیروهای فعال (دینامیک) و توسعه کار وابسته در کارخانه های تولید خشت در افغانستان میباشد. هرچند نیاز به انجام تلاش های منظم نظارتی بیشتر موجود بوده تا برای پالیسی سازان دولت ها، مساعدت کننده گان و سازمان های بین المللی معلومات فراهم گردد.

IV: روش بررسی (میتودولوژی)

در روش بررسی این تحقیق از وسایل تحقیقاتی کمی و کیفی استفاده شده است تا بررسی مفصل از وابستگی به کار در کارخانه های تولید خشت افغانستان فراهم گردد. در میتودولوژی تحقیق ما، عوامل جنبه های عرضه و تقاضا که سبب ایجاد یکی از بدترین اشکال کار توسط اطفال میشود، در نظر گرفته شده است. همچنان این تحقیق یک روش یا دسترسی متوازن را برای نظارت از کار وابسته توسط اطفال و بزرگسالان که با هم ساختار یا ارتباط مشترک دارند، معرفی میکند.

- **سروری خانواده های ۱۹۰ کارگر**، منبع عمده معلومات کمیتی را برای این سروری فراهم نموده است. روش نمونه گیری هدفمند و بعداً انتخابی **purposive-then-random sampling** صورت گرفت زیرا هدف، نمونه گیری انتخابی در سطح ملی نبود اما یک نمونه هدفمند میباشد که در برگیرنده سهم کارگران اطفال و بزرگسال در هر ولسوالی میباشد.
- **دو سروری محلی از فعالین** که شامل ۲۵ مالک کارخانه های تولید خشت و ۲۸ عضو اجتماع میشود، صورت گرفت.
- **۹ مورد بحث گروهی متمرکز** با گروه های اطفال کارگر (۴ گروه)، کارگران بزرگسال (۳ گروه) و مالکین کارخانه ها (۲ گروه) در ولسوالی سرخرو و ده سبز راه اندازی گردید.
- **یک تحقیق مفصل یا Case study** که شامل ملاقات ها با اطفال کارگر، خانواده ها، یک کارفرما و یک مستخدم تازه میشود، جهت جمع آوری معلومات اضافی کیفی برای تحلیل مطالعات صورت گرفت.
- **گروه تحقیقاتی ملاقات های مهم خبرساز یا key informant interviews** را با شرکاء و فعالین مربوطه که با کار وابسته، کار اطفال و کارخانه های تولید خشت آشنایی دارند، راه اندازی نمود.

این سند، یافته‌هایی را تحت عنوان محصور در خشت‌ها: ارزیابی سریع از کارهای وابسته و تحت قیودات خاص در کارخانه‌های تولید خشت در افغانستان، طور مختصر بیان مینماید و یک گزارشی است که مأموریت آن را دفتر سازمان بین‌المللی کار در کابل و پروگرام بین‌المللی سازمان بین‌المللی کار در مورد محو کار اطفال (ILO-IPEC) به عهده داشته و توسط مشاورین شواری Samuel Hall تحریر و تحقیق شده است. محتویات این گزارش شامل معلومات و ارقام روی موارد ذیل میباشد.

- منافع و شیوه‌های کاری کارخانه‌های تولید خشت؛
- مزد و قرضه کارگران وابسته؛
- حقیقت کار وابسته که در کارخانه‌های تولید خشت توسط اطفال انجام میشود.
- .

برای دسترسی به این راپور میتوانید به آدرس اینترنتی ذیل مراجعه نمایید: [www.ilo.org/asia](http://www.ilo.org/asia/countries/afghanistan/lang--en/index.htm) و <http://www.ilo.org/asia/countries/afghanistan/lang--en/index.htm>

Copyright © International Labour Organization 2011

حق چاپ و نشر محفوظ است

نشریه های دفتر بین المللی کار براساس پروتوکول شماره دوم کنوانسیون جهانی حق چاپ و تکثیر از حق الامتیاز طبع و نشر برخوردار میباشد. با اینحال بخش های کوتاه این سند میتواند بدون مجوز، چاپ و تکثیر گردد به شرطیکه در آن از منبع ذکر بعمل آید. برای کسب حق تکثیر یا ترجمه باید از انتشارات سازمان جهانی کار (حقوق و جوازنامه ها) درخواست صورت گیرد: دفتر بین المللی کار، CH-121، ژنیوا ۲۲، سویس، یا ایمیل آدرس: pubdroit@ilo.org.

دفتر بین المللی کار از چنین درخواست ها پذیرائی مینماید.

کتابخانه ها، نهاد ها و دیگر استفاده کننده گان که در سازمان حقوق چاپ و تکثیر ثبت میباشند میتوانند براساس اجازه نامه که روی این منظور برای شان صادر میگردد، این سند را کاپی یا نسخه برداری نمایند. برای دریافت سازمان حقوق چاپ و تکثیر در کشور تان به صفحه اینترنتی www.ifrro.org مراجعه نمایید.

ISBN 978-92-2-125954-1

عناوینی که در نشریات سازمان بین المللی کار استعمال میگردند در مطابقت با عملکرد های سازمان ملل متحد بوده و ارائه مواد مندرجه آن به هیچ وجه دلالت بر ابراز هرگونه نظری از جانب دفتر بین المللی کار در مورد وضعیت حقوقی کدام کشور، منطقه یا قلمرو یا ادارات مربوطه آنها، و یا هم تعیین سرحدات آنها نمیشد.

مسئولیت نظریاتی که در مقالات، تحقیقات و دیگر نشریه ها ابراز میگردد بدوش نویسنده بوده و نشریه بیانگر موافقت دفتر بین المللی کار به نظریات و عقاید منتشره در آن نمی باشد.

ذکر اسامی شرکت ها و محصولات تجاری و روند ها، دلالت بر تائید یا حمایت از آنها توسط دفتر بین المللی کار نکرده و عدم یادآوری از کدام شرکت خاص، محصول تجاری و روند به معنی نظر منفی درباره آنها نمی باشد.

این تحقیق و نشریه قسماً توسط وزارت کار ایالات متحده آمریکا قسماً تمویل گردیده است. (از طریق پروژه سازمان بین المللی کار INT/08/93/USA)

این نشریه لزوماً منعکس کننده دیدگاه ها یا پالیسی های وزارت کار ایالات متحده آمریکا نبوده و نیز بیانگر تائید و حمایت دولت ایالات متحده از نامهای تجاری، محصولات یا سازمان های تجاری نمی باشد.

طبع کابل - افغانستان

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.